پرده خانه

ادای دین به تاریخ و نمایش‌نامه‌نویسی

فرزانه ابراهیم‌زاده

● به‌عنوان یک تماشاگر عادی و قدیمی تئاتر نمی‌توانم اشتیاق خود را به چنین اتفاقی پنهان کنم و انتظار روزهای آینده را نکشم که این نمایش را روی صحنه ببینم و دیدن آن را به دیگران توصیه کنم.

نمایشی که مانند بسیاری از آثار امجد، نوعی ادای دین به تاریخ نمایش‌نامه‌نویسی و هم‌زمان به تاریخ و نمایش آیینی سنتی ایران است؛ اما این تنها موضوعی نیست که اشتیاق دیدن اجرای صحنه‌ای «سه خواهر و دیگران» را بیشتر می‌کند.

دوری خودخواسته «حمید امجد» از تئاتر شاید مهم‌ترین دلیلی است که کار او را دیدنی‌تر می‌کند. دوری‌ای که او در نشست خبری این نمایش که سه‌شنبه هفته گذشته در سالن همایش تئاتر شهر برگزار شد، بیشتر به آن پرداخت و تأکید کرد از آنچه به نام او روی صحنه می‌آمد، راضی نبود: «من قدم‌به‌قدم با ذهنیت‌های تنبل، سانسورچی و سودجو جنگیده بودم و بعد از مدتی، سبک‌سنگین کردم که چقدر از اینها را می‌خواهم و چقدر را نمی‌خواهم و بعد دیدم (آن زمان) این حرفه را نمی‌خواهم».

این نخواستن و نبودن ۱۲ سال ادامه داشت تا امسال که او بار دیگر با نمایشی که شاید می‌شد حدس زد گزینه اصلی امجد برای اجرای صحنه‌ای باشد، بازگشته است. نمایشی که همان‌طور که بالاتر گفته شد، ادای دینی به استادان نمایش‌نامه‌نویسی و تاریخ و هنرهای نمایشی ایران است. او در همین نشست با اشاره به اینکه «سه خواهر و دیگران» در ادامه این نگاه او و پیرامون چند متن از چخوف و زندگی اوست، درباره چرایی تلاش برای اینکه به ترکیب‌های مختلف بینامتنی تاریخ با کلیت یکپارچه نهایی برسد، گفت: «چخوف در سال‌های واپسین زندگی‌اش به‌دلیل بیماری سل از شهرهای بزرگ فاصله گرفت تا آنچه را در ذهنش می‌گذشت به نگارش درآورد. نمایش ما درباره جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم و نقطه تماس شخصیت‌های خیالی هستند که من به آن اضافه کرده‌ام».

او در این نمایش همان‌طور که در متن نمایش دیده می‌شود و خودش هم در نشست خبری گفته است، از ایران غافل نشده و با ترکیب این نمایش با ایران، شخصیتی را که در متن «باغ آلبالو» حضور جدی داشته، به ایران پیوند داده است. به فرض او فریز شخصیت پیشخدمت باغ آلبالو می‌تواند از همسایگی روسیه به آنجا رفته باشد و این موضوع او را به مهم‌ترین نقطه اصطکاک ایران و روسیه؛ یعنی جنگ‌های ایران و روس نسبت داده است. فریز از دید او شاید فیروز باشد؛ یعنی شخصیتی که شاید نقطه مشترک امجد در کارهای جدید و قدیمش است. سیاه تخته‌حوضی که در شخصیت‌های اصلی نمایش‌های او مانند مبارک بی‌شیر و شکر و شخصیت اصلی فیلم «آزمایشگاه» تکرار شده است. نقطه مشترک آزمایشگاه با «سه خواهر و دیگران» البته حضور افشین هاشمی در این نقش است. شخصیت مهم نمایش که هم‌زمان با گروه عذرخواهی خسرومیرزا و میرزاتقی‌خان از ایران به روسیه رفته و در این سرزمین مانده است و حالا در باغ آلبالویی زندگی می‌کند که همسایه خانه‌ای است که پزشکی بیمار در آن ساکن شده؛ او تنها کسی است که با همسایه‌شان یا چخی‌جان ارتباط دارد و داستان‌های خانه را به او می‌دهد تا دست‌مایه او برای نوشتن نمایش‌نامه‌های مهم تاریخ سینما شود.

بنا به گفته امجد در مقدمه نمایش «سه خواهر و دیگران»، آنتوان چخوف در سال ۱۸۹۷ به توصیه جدی پزشکانش که بیماری سل او را به‌تدریج درمان‌ناپذیر می‌یافتند، رخت به خانه‌ای ییلاقی دور از شهرهای بزرگ کشید و چهار سال بعد در آنجا نوشتن نمایش‌نامه سه خواهر را به پایان برد که از قضا داستان آن هم در چهار سال می‌گذرد...».

چخوف بعد از این نمایش تا زمان مرگش در سال ۱۹۰۴ دو نمایش «باغ آلبالو» و «دایی وانیا» را نوشت که به‌نوعی کامل‌کننده این اثر و جهانی بود که از نگاه چخوف در حال زوال و پایان‌یافتن بود. اکنون بعد از گذشت سال‌ها از نوشتن این نمایش‌نامه، حمید امجد با تلفیق دو نمایش باغ آلبالو و دایی وانیا و البته شاه‌لیر شکسپیر آن را در قالب یک نمایش‌نامه تازه تنظیم کرده است. حالا فردا عصر اگر اتفاق خاص و خارق‌العاده‌ای رخ ندهد و نمایش سه خواهر روی صحنه برود، طلسم ۱۲ به‌اضافه یک‌سال حمید امجد شکسته خواهد شد.

واکنش «سخنگو» به ابلاغیه «سردار»

نوش‌آبادی: در حوزه مجوز و محتوا، وزارت ارشاد صاحب‌اختیار است

سحر آزاد: بحث درباره کنسرت‌ها و اماکن عمومی همچنان ادامه دارد. با وجود آنکه ماده ۲۰ آیین‌نامه اماکن عمومی از سوی دولت اصلاح شد تا مجوز و محتوای کنسرت‌ها برعهده وزارت ارشاد باشد؛ اما به نظر می‌رسد این موضوع مانند خود کنسرت‌ها به محلی برای کشاکش‌های سیاسی تبدیل شده است.

هفته گذشته هیأت دولت ماده (۲۰) آیین‌نامه اماکن عمومی را اصلاح کرد که براساس آن مداخله‌نکردن نیروی انتظامی در مجوز و محتوای کنسرت‌ها به تصویب رسید. براساس مصوبه هیأت وزیران، صدور مجوز اجرای برنامه‌های فرهنگی-هنری ازجمله اجرای صحنه‌ای موسیقی و تئاتر به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و برای بررسی انتظامی و ترافیکی به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اعلام و نیروی انتظامی موظف است تا ۱۰ روز نظر خود را ارائه و نظم و امنیت محل و مراسم را بدون دخالت در مجوز و محتوای برنامه و ویژگی مجریان تأمین کند. اصلاح این ماده به‌این‌دلیل دارای اهمیت است که کنسرت‌های موسیقی به‌عنوان یکی از شاخه‌های فرهنگی و هنری در چند سال گذشته با حاشیه‌های زیادی روبه‌رو بود و بسیاری از کنسرت‌ها به‌ویژه در شهرستان‌ها با وجود گذراندن مراحل قانونی برای کسب مجوز و دریافت مجوز، لغو می‌شدند و این مسئله نگرانی‌هایی را نیز درباره صدمه‌زدن به بازار جذب مخاطب و نحوه عودت هزینه بلیت‌ها، در جامعه ایجاد کرده بود که اصلاح این ماده قانونی می‌توانست مسئولیت هریک از نهادها را درباره صلاحیت برگزاری کنسرت شفاف و روشن کند. اما چند روز پس از اصلاح این ماده، سردار جزایری، معاون ستاد کل و سخنگوی نیروی انتظامی در ابلاغیه‌ای به نیروی انتظامی ضمن تقدیر از پلیس در راستای اقدامات ایجابی و فرهنگی تأکید کرد که برخورد با ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری در جامعه جزء وظایف پلیس و خواست مردم است. معاون ستاد کل و سخنگوی نیروهای مسلح تصریح کرد: «این امر می‌بایست در همه جامعه ازجمله برگزاری کنسرت‌ها با جدیت انجام شود». همچنین به گزارش مهر، حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد سعیدی، تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) در دیدار با سردار اشتری، فرمانده نیروی انتظامی کشور که در حرم مطهر کریمه اهل بیت (ع) برگزار شد، گفت: «امنیت اخلاقی در جامعه با حیثیت و اساس نظام گره خورده است و نمی‌توان آن را تابع نگاه‌های جناحی و برداشت‌های شخصی افراد قرار داد». او با انتقاد از تلاش‌های برخی افراد برای صدور مجوز برای برگزاری کنسرت‌ها بدون نظارت و بررسی دستگاه‌های مسئول، گفت: «برخی کنسرت‌ها برای به‌ابتذال‌کشیدن جامعه و تهی‌کردن آن از مبانی انقلاب تدارک دیده شده تا ترویج بی‌بندوباری و اختلاط در کنسرت‌ها را عادی جلوه دهند و از این طریق به اصل نظام ضربه بزنند. با یک ابلاغیه یا بخش‌نامه نمی‌توان این مسائل را که در حد کلان کشور است، نادیده گرفت و آن را عادی جلوه داد».

از سوی دیگر سردار سیدمجید میراحمدی، رئیس تیم نظارت و ارزیابی قرارگاه خاتم‌الانبیا در جمع فرماندهان و مسئولان انتظامی استان گلستان گفت: «ملاک مأموریت‌های نیروی انتظامی، قانون است و مصوبه هیأت دولت مبنی‌بر استعلام‌نکردن از نیروی انتظامی درباره برگزاری کنسرت‌ها در کشور، نافی مأموریت‌های پلیس نیست». به گزارش تسنیم او با تأکید بر اینکه محیط، محدودکننده مأموریت‌ها و وظایف ذاتی ناجا نیست، اظهار کرد: «وظیفه ذاتی پلیس، تأمین و برقراری نظم و امنیت و برخورد با جرائم و مفاسد علنی و آشکار در جامعه است».

رئیس تیم اعزامی قرارگاه خاتم‌الانبیا درباره مصوبه اخیر هیأت دولت مبنی بر استعلام‌نکردن از نیروی انتظامی در برگزاری کنسرت‌ها در کشور و اکتفاکردن صرف این نیرو به مسائل ترافیکی و انتظامی گفت: «مصوبه دولت نافی مأموریت‌های ذاتی و قانونی نیروی انتظامی نیست و تأثیر چندانی در اجرای دقیق مأموریت‌های پلیس ندارد. نیروی انتظامی ضمن احترام به مصوبه هیأت دولت، می‌بایست کمافی‌السابق این مأموریت مهم را دنبال کند».

نوش‌آبادی: وظایف ذاتی هر ۲ نهاد مشخص است

حسین نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد، با بیان اینکه رئیس تیم نظارت و ارزیابی قرارگاه خاتم‌الانبیا از جهتی درست بوده است، به شرق گفت: «وظایف نیروی انتظامی تغییری نکرده است؛ چون اصولا قانون را نمی‌شود با آیین‌نامه اجرائی تغییر داد. قانون نه‌تنها وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بلکه نیروی انتظامی را هم روشن کرده است. آنچه اتفاق افتاده، تغییر و اصلاح ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرائی اماکن عمومی است که در حوزه اختیار و نظارت نیروی انتظامی است؛ به این معنا که نیروی انتظامی و پلیس همان‌طور که خودشان اشاره کرده‌اند، وظایفشان مبتنی بر تأمین امنیت عمومی و انتظامی و ترافیکی و نظارت بر اماکن عمومی است. این موضوع تغییری نکرده و همچنان نقش و جایگاه برای نیروی انتظامی تثبیت شده است».

او ادامه داد: «آنچه اتفاق افتاده، تقسیم کار و تعیین نقش و جایگاه دو نهاد فرهنگی و انتظامی در اجرای برنامه‌های صحنه‌ای و برگزاری مراسم‌های فرهنگی و هنری در محیط‌های عمومی و اماکن عمومی است. این شبهه وجود داشت که آیا نیروی انتظامی و پلیس در صدور مجوزهای مربوط به اجرای صحنه‌ای، کنسرت‌ها و همچنین محتوا وظیفه‌ای را برعهده دارد یا خیر و اینکه برخی از کنسرت‌های موسیقی و اجراهای صحنه‌ای در گذشته با وجود داشتن مجوز به دلایلی لغو و تعطیل می‌شد. آیین‌نامه تصریح و شفاف کرده است که دستگاه فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان دستگاه حاکمیتی، این وظیفه را براساس قانون دارد و ما از نظر قانونی وظیفه داریم که مجوزهای فرهنگی و هنری را صادر کنیم و قطعا بر محتوا هم نظارت خواهیم داشت. نیروی انتظامی که قطعا نقش و جایگاهش محترم بوده و هست و منطبق بر همان قوانین و ضوابط، بر حوزه خودش اعمال مدیریت می‌کند و همکاری آنها با ما همچنان ادامه خواهد داشت».

نوش‌آبادی درباره همکاری وزارت ارشاد و نیروی انتظامی گفت: «نیروی انتظامی در سال‌های گذشته همکاری و هماهنگی را انجام داده است چون اگر این همکاری‌ها و ارتباط نزدیک و صمیمانه نبود، ما نمی‌توانستیم هر سال صدها برنامه زنده صحنه‌ای و موسیقی سنتی و پاپ را اجرا کنیم. در تعدادی از برنامه‌ها نیز که لغو شده اند، نیروی انتظامی مستقیما نقشی نداشته و نقش ایجابی آن بالاتر از نقش سلبی‌اش بوده است.

بنابراین مأموریت‌های هر دو نهاد فرهنگی و انتظامی براساس وظایف ذاتی و قانونی‌شان تغییری نکرده است اما اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری و چگونگی تعامل و همکاری در این آیین‌نامه اصلاح شده و نقش هر دو نهاد روشن و گفته شده است. در حوزه صدور مجوز و محتوا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صاحب اختیار و در حوزه امنیت عمومی، امور انتظامی و ترافیکی هم وظیفه نیروی انتظامی همچنان به قوت خودش باقی است».

او در پایان چنین خاطرنشان کرد: «اینها موضوعی نیست که باعث ایجاد شبهه شود چون متأسفانه برخی از رسانه‌ها این موضوع را بد منتقل و تفسیر کرده‌اند که باعث ایجاد شبهه شده است. شبهه‌ای نیست و قانون به قوت خود باقی است و وظایف ذاتی هر دو نهاد مشخص است و اصلاحیه‌ای که صورت گرفته در حوزه اجرا و برگزاری مراسم‌ها و جشن‌ها و کنسرت‌ها بوده که تفکیک مسئولیت شده است. به‌هرحال این، مصوبه دولت است نه مصوبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اگر برخی رسانه‌ها به این بهانه تنش ایجاد می‌کنند، موضوع را به انحراف می‌کشانند. وظایف هر دو نهاد مشخص است، فقط بحث درباره اجرای قانون است چون آیین‌نامه اجرائی معطوف به چگونگی اجراست و نمی‌تواند قانون را تغییر دهد و آیین‌نامه برای اجرا و تسهیل اجرای مطلوب برنامه‌هاست. امیدواریم همکاری‌های هر دو نهاد ادامه داشته باشد و اتفاق نگران‌کننده‌ای نیست. هیأت دولت وظایف را کمی شفاف‌تر کرده است».

سینماگران با تبلیغ دوباره فیلم‌هایشان در «جم» غافلگیر شدند

بازگشت تیزرهای ناخوانده

فرانک آرتا: پخش دوباره تیزر فیلم‌های ایرانی در تلویزیون ماهواره‌ای «جم» به نگرانی مسئولان و اهالی سینما دامن زد. چندی قبل شاهد بودیم که گروهی از تهیه‌کنندگان به دستگاه قضا فراخوانده شدند تا برای پخش آگهی فیلم‌هایشان در این شبکه آن‌سوی‌آبی پاسخ‌گو باشند و در ادامه هم نمایش فیلم «آآآآدت نمی‌کنیم» به کارگردانی ابراهیم ابراهیمیان که تهیه‌کننده آن متعلق به بخش خصوصی است در سینماها متوقف شد. هرچند این مسئله با پادرمیانی وزارت ارشاد و دخالت سازمان سینمایی فیصله پیدا کرد، اما حالا بار دیگر پخش تیزرها شروع شده و بیم و ترس‌ها هم علنی شده‌اند که این‌بار چه اتفاقی برای سینمای ایران می‌افتد؟ یا کدام فیلم‌ها قربانی خواهند شد؟

سالیان دراز استنکاف رسانه ملی از پخش آگهی فیلم‌های سینمایی، بالابودن تعرفه‌های آگهی، اعمال ممیزی‌های سلیقه‌ای و کلا علاقه‌نداشتن مدیرانِ حجیم‌ترین دستگاه رسانه‌ای جهان به سینمای وطنی، باعث شده بود سینمای ایران دیگر به حمایت رادیو و تلویزیون رسمی ایران امیدی نداشته باشد. از سوی دیگر هم رویش قارچ‌گونه شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و چراغ سبز آنها به عوامل سینمای ایران که تاکنون توانسته‌اند تعدادی از بازیگران و کارگردانان درجه‌دو سینما و تلویزیون را جذب کنند، شرایطی فراهم کرد که همچنان به فرصت‌طلبی خود ادامه دهند و در این میدان بی‌رقیب، بی‌پروا و البته آگاهانه بتازند. در این مسیر پخش تیزر فیلم‌های ایرانی به صورت «رایگان» هم در دستور کارشان قرار گرفت. هرچند سینمای ایران تاکنون به دلیل ممنوعیت موضوع ماهواره و عواقب لطمه‌زننده آن رأسا و رسما وارد این بازی نشده است. اما با این استدلال که گنه کرد در بلخ آهنگری / به شوشتر زدند گردن مسگری، ناخواسته درگیر این ماجرا شده است. موضوع تا حدی جلو رفت که چندی پیش در ضیافت ماه مبارک رمضان رئیس‌جمهور، تعدادی از سینماگران از مشکلات تبلیغات فیلم‌های ایرانی در رسانه ملی گفتند و پخش تیزرها در ماهواره‌ها را فرصتی به‌نفع سینمای ایران دانستند.

اما حبیب ایل‌بیگی، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، روز گذشته طی گفت‌وگویی با «ایسنا» به پخش دوباره تیزرها واکنش نشان داد و با تأکید بر «خودسرانه» عمل‌کردن شبکه جم، گفت: «به‌تازگی تعدادی از تهیه‌کنندگان سینما با بنده تماس گرفته‌اند و گفته‌اند که شبکه جم بدون اطلاع آنان، تیزر فیلم‌هایشان را پخش می‌کند که این موضوع با اعتراض تهیه‌کنندگان ما روبه‌رو شده است».

ایل‌بیگی با اشاره به حاشیه‌هایی که چندی پیش بر اثر پخش تیزر فیلم‌های سینمایی برای سینماگران به وجود آمد، گفت: «بعد از آن اتفاقات، همه تهیه‌کنندگان تأکید کردند که پخش تیزرها از سوی خود شبکه جم بوده است و حالا هم شاهد اقدامی عجیب از سوی این شبکه هستیم البته این شبکه چندی پیش اعلام کرده بود ما دوباره خودمان دست به عمل می‌زنیم و تیزرها را پخش می‌کنیم. در این وضعیت، سیستم قضائی ما می‌تواند وارد عمل شود و این مسئله را در حوزه بین‌الملل پیگیری کند».

این مدیر هنری در پاسخ به این پرسش که «آیا این اقدام خودسرانه می‌تواند به ضرر سینماگران ما تمام شود؟»، تأکید کرد: «حتما دستگاه‌های نظارتی مطلع می‌شوند آیا این تیزرها از داخل کشور سفارش شده یا اینکه این شبکه به طور خودسر آنها را پخش می‌کند و اگر معلوم شود پخش تیزر فیلمی بدون سفارشی از داخل کشور اتفاق افتاده باشد، این‌گونه نیست که با سازندگان آن فیلم برخورد شود». و اما واکنش سینماگرانی که آگهی فیلم‌هایشان این روزها در شبکه «جم» پخش می‌شود؛ رضا میرکریمی در گفت‌وگو با «شرق» گفت: «من واقعا نمی‌دانم و اطلاع ندارم چرا فیلم « دختر» تیزرهایش پخش می‌شود! اصلا این را هم نمی‌دانم چرا مدتی تیزر فیلم‌های ایرانی پخش نشدند و به چه دلیل حالا دارند پخش می‌شوند!!» همچنین مصطفی کیایی، کارگردان فیلم «بارکد»، نیز بیان کرد: «واقعا از اصل قضیه مطلع نیستم که چگونه مسئولان شبکه جم به تیزر فیلم « بارکد » دسترسی پیدا کرده‌اند و با این کیفیت نازل دارند آن را پخش می‌کنند! این تیزرها در مقایسه با تیزرهای خوش‌آب‌ورنگی که ساختیم و کیفیت بالایی دارند، به فیلم من ضربه می‌زنند». این کارگردان سینما درباره پخش تیزرهای فیلم «بارکد» در رسانه ملی نیز به «شرق» گفت: «من از پخش تیزرهای فیلمم در رسانه ملی راضی هستم. به‌ویژه در زمان پخش بازی‌های فوتبال جام ملت‌های اروپا واقعا خوب بود». اما نکته تعجب‌برانگیز، پخش تیزر فیلم «آب‌نبات چوبی» به کارگردانی محمدحسین فرحبخش در این شبکه ماهواره‌ای است؛ درحالی‌که فیلم هنوز به نمایش عمومی درنیامده! فیلم در نوبت اکران است و در یک ماه آینده در سالن‌های سینمای کشور اکران می‌شود. فرحبخش در گفت‌وگو با «شرق»، درباره این موضوع چنین واکنش نشان داد: «من در جریان این مسئله نیستم. ظاهرا به نظر می‌رسد مسئولان «جم» در شبکه‌های مجازی هر تیزر فیلمی به دست‌شان رسیده، دارند پخش می‌کنند! اما بااین‌حال، از هر حرکتی که بر رونق فیلم‌های سینمایی تأثیرگذار باشد، استقبال می‌کنم».

کارگردان فیلم «عطش» به این سؤال که «تحلیل‌تان از تأثیرات پخش تیزرهای فیلم‌های ایرانی که حدود یک ماه در رسانه ملی عملی شده، چیست»، این‌گونه پاسخ داد: «سؤال مهمی است و باید کارشناسی شود. تحلیل من این است با اینکه حدودا از یک ماه پیش، رسانه ملی اقدام به پخش مجانی تیزرهای فیلم‌های ایرانی کرده که از همین‌جا از چنین حرکتی قدردانی می‌کنم ولی متأسفانه بااین‌حال، فیلم‌ها افت فروش داشتند. اما به محض اینکه تیزرها از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش شده، منحنی فروش فیلم‌ها سیر صعودی پیدا کرده است».

این تهیه‌کننده سینما درادامه دلایل این مسئله را چنین برشمرد: «یکی از مهم‌ترین دلایل این است که رسانه ملی تماشاگر ندارد. علت آن هم واضح است. چون در مدت پخش تیزرها، فروش فیلم‌ها زیاد نشد، اما در کمتر از ۲۴ ساعت از پخش آگهی فیلم‌ها، فروش فیلم‌ها افزایش یافت. دیگر اینکه وقتی تیزرها پخش می‌شوند آن‌قدر کوتاه هستند که به عبارت دقیق‌تر، قابل رؤیت نیستند و مخاطب نمی‌فهمد موضوع فیلم چیست! از سوی دیگر، من که به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی وفادارم و خانواده بنده جزء السابقون انقلاب اسلامی هستند، باید بگویم واقعا مایه خجالت است که گفته می‌شود در سینمای ایران فیلم‌هایی ساخته می‌شوند که قابل نمایش در تلویزیون نیستند! مگر رسانه ملی و وزارت ارشاد نماینده دو کشور متفاوت هستند؟! دیگر اینکه تعدادی از فیلم‌های سینمایی با قوانین صداوسیما منطبق هستند، منتها به دلیل اینکه گفته می‌شود برخی از بازیگران آن در رسانه ملی ممنوع‌التصویر هستند، تلویزیون فقط در صورت ممیزی تصاویر آنان، قادر به پخش آنها خواهد بود! ! واقعا آدم درمی‌ماند که چه بگوید. آخر آن بازیگران، نقش اصلی فیلم را بر عهده دارند و جزء سیاه‌لشکرها نیستند و در صورت حذف‌شان، فقط تصاویر طبیعت و درودیوار باقی می‌ماند!! حالا به نظر شما چنین تصمیماتی ناشی از بی‌خردی نیست؟!».

کیمیایی در شب زنده‌یاد «جمشید ارجمند»

سخت است درباره دوستان رفته حرف بزنم

شرق: مسعود کیمیایی، کارگردان مطرح سینمای ایران، در شب زنده‌یاد جمشید ارجمند عنوان کرد: «بسیار دشوار است که ساعت‌به‌ساعت، روزبه‌روز و هفته‌به‌هفته زنده باشم و برای دوستانم که رفته‌اند، حرف بزنم. کار مشکلی است و روزگار سختی است. چیزی که من از جمشید به یاد دارم این است که او پاک‌ترین دوستی بود که من داشتم، واقعا پاک‌ترین بود. دانسته، آگاه و پاک بود و حالا رفته است».

شب زنده‌یاد جمشید ارجمند، منتقد باسابقه سینما، ۲۹ تیرماه با سخنرانی کوتاه مسعود کیمیایی، داریوش شایگان، لیلا ارجمند، هارون یشایائی، شاهرخ دولکو، هرمز همایون‌پور، احمد طالبی‌نژاد و... برگزار شد. در این مراسم که به همت علی دهباشی برپا شد، مدیر نشریه بخارا در سوگ ازدست‌دادن جمشید ارجمند ابیاتی از ملک‌الشعرای بهار خواند و پس از آن متنی را به نیابت از دکتر داریوش شایگان که خود در جلسه حضور داشت قرائت کرد که در بخشی از آن عنوان شد: «جمشید ارجمند، مانند اغلب روشنفکرانی که در سال‌های پایانی سلطنت رضاشاه متولد شدند و در دوران گذار پرورش یافتند، شخصیتی است چندوجهی. ابعاد و زوایای متنوع شخصیت ارجمند که از وسعت ذوق هنری و ادبی او حکایت دارد، به‌راستی حیرت‌انگیز است؛ چطور می‌توان درعین‌حال هم ویراستار بود، هم منتقد، هم مترجم بود، هم برنامه‌ریز، هم کارشناس جهانگردی بود، هم کارشناس کشاورزی، هم جوینده علوم عقلی بود و هم طلبه سیروسلوک عرفانی؟ البته همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، این سبک‌وسیاق چندوجهی، به جمشید ارجمند منحصر نمی‌شود و صفت غالب بیشتر روشنفکرانی است که در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ پا به عرصه فرهنگی ایران گذاشتند. اما علت این پراکندگی چیست؟ پاسخ شاید این باشد که «روشنفکر» ایرانی، در معنای اخص این اصطلاح، هنوز از «نظام معرفتی خاصِ» مجهز به دید انتقادی بی‌بهره است و طبیعتا به‌همین دلیل نمی‌تواند خود را در تنگنای یک رشته به‌خصوص محدود کند و چون کمبود آن نظام معرفتی را احساس می‌کند، نتیجتا راه‌های گوناگون را می‌پوید تا بلکه به نگاه خود جامعیتی هرچند ناقص ببخشد و از این طریق خود را از حصار تنگش برهاند».

زیر آسمان فیروزه ای

شعر ترجمه‌پذیر «فاطمه راکعی»

مهدی افشار*

● بخت با من یار بود که در کنار ترجمه آثار ادبی و داستانی نویسندگان و ادیبان مغرب زمین، اشعار گروهی از برجسته‌ترین شاعران معاصر سرزمین‌مان را نیز به مغرب‌زمینیان معرفی کنم؛ از جمله ترجمه «هشت کتاب» سهراب سپهری، مجموعه اشعار فریدون مشیری، دفتر شعری از طاهره صفارزاده و سرانجام دو دفتر از اشعار فاطمه راکعی.

آنگاه که اشعار تغزلی دکتر راکعی را ترجمه می‌کردم و به ضرورت ابتدا آن را با دقت تمام می‌خواندم تا بر جانم بنشیند، دریافتم غزل‌های ایشان برخلاف اشعار غزل‌سرایان متقدم، ترجمه‌پذیر است. مسئله ترجمه‌پذیری شعر، موضوعی است که درباره آن سخن بسیاری گفته شده تا آنجا که برخی بر این باورند شعر، ترجمه‌ناپذیر است؛ اما پرسش اینجاست کدام شعر؟! به‌راستی امکان ترجمه اشعار بسیاری از شاعرانِ متقدم تقریبا وجود ندارد؛ یعنی هر قدر هم با دقت ترجمه شوند، باز هم به دلیل خاص‌بودن و پاره‌ای مفاهیم و پاره‌ای محدودیت‌های حوزه فرهنگی و فراتر از همه به دلیل درون‌نگری شاعر، امکان ترجمه آن وجود ندارد. به همین یک بیت بنگرید:تو کمان کشیده و در کمین/ زنی به تیرم و من غمین/ همه غمم بود از همین/ که خدا نکرده خطا کنی

اگر این بیت ترجمه شود، به‌راستی مفهوم آن دشوار منتقل می‌شود؛ چراکه دارای مضمونی عارفانه است که فقط در قلمرو فرهنگی خودمان قابل فهم و درک است، یا به همین غزل حافظ از نگاه مترجم بنگرید:زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست / پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

نرگسش عربده‌جو و لبش افسوس‌کنان / نیمه‌شب دوش به بالین من آمد بنشست

چه بلایی سر مترجم می‌آید تا آن را ترجمه کند؟!

اما شعر ترجمه‌پذیر مانند شعر راکعی، شعری با مفاهیم فراملیتی است؛ شعری انسانی و به‌عبارتی روشن‌تر، شعری جهانی که دردی مشترک را فریاد می‌زند؛ همان‌گونه که شاملو می‌گوید: «من درد مشترکم مرا فریاد کن». ضمن ترجمه این غزل‌ها، چه در ترجمه دفتر ایشان با عنوان «ناخنکی به زندگی» که به A Touch of Life برگردانده شد و چه در ترجمه دفتر «مادرانه‌ها» که به Maternal Affection ترجمه شد، حال‌وهوایی دیگر داشتم. «ناخنکی به زندگی»، وقتی به A Touch of Life برگردانده می‌شود، در مردم انگلیسی‌زبان همان احساسی را برمی‌انگیزاند که در «ناخنکی به زندگی» احساس می‌شود. وقتی واژه «ناخنک» را می‌شنویم، نوعی معنای دله‌دزدی و دستبرد را از آن استنباط می‌کنیم که طبعا معادل آن باید flitching و pilfering و در مفهومی لطیف‌تر fingering و sampling قرار گیرد، ولی وقتی در کنار واژه «زندگی» قرار می‌گیرد، دیگر شمیمی از زندگی می‌شود و آن‌گاه است که برای انگلیسی‌زبان A Touch of Life معنی پیدا می‌کند.

در ترجمه مادرانه‌های ایشان، قوی‌ترین ویژگی مادر یعنی عشق و مهر را چاشنی کلام «مادر» کرده‌ام و به همین‌روی دفتر «مادرانه‌ها» ایشان را Maternal Affection ترجمه کردم. در سراسر این دفتر، لطیف‌ترین عواطف مادرانه را می‌توان بازیافت؛ از جمله به قطعه شعر «زنی می‌گذرد» با ترجمه آن بنگرید:

در میدان بزرگ شهر
At the main square of a town
زنجیر بر دست‌وپای
a fettered and a chained man
می‌کشندش به جرمی سترگ
is dragged for a horrible crime
- بی‌سروپا! آراسته‌ای می‌گوید
a gentleman calls him: the rogue of society
- انگل اجتماع! طبیبی
a physician calls him: parasite
- کثافت! رفتگری
a garbage cleaner calls him: rubbish
- پناه بر خدا! وارسته‌ای
a mystic says: o God I seek your support
«مادرت بمیرد جوان!»
may your mother die to see not
- زنی می‌گذرد...
you in this miserable condition!

و در « ناخنکی به زندگی» که لحظه‌لحظه حیات ما را به گونه‌ای روشن به تصویر می‌کشد، آن لحظه که «بم» تکان می‌خورد، چه غمگنانه و چه دردمندانه این تکانه را تصویر می‌کند، و مترجم با همان اندوه و با همان غم با شاعر هم‌آوا می‌شود.

و بسیار سخن‌ها درباره شعر راکعی دارم و افسوس که مجال آن نیست.

***متن کوتاه‌شده سخنرانی دکتر مهدی افشار در مراسم بزرگداشت فاطمه راکعی**